

هو العليم

خصوصیات ماه رجب و دستورات اولیاء الہی
پیرامون این ماه

آیة اللہ حاج سید محمد محسن حسینی طہرانی

جلسات شرح حدیث عنوان بصری

مقاله پیش رو چکیده ای است از جلسات هشتم، نهم، بیست و هفتم، چهل و یکم، چهل و پنجم، پنجاه و هشتم، نود و دوم، یکصد و هفتم، یکصد و سی و سوم، یکصد و چهل و چهارم، یکصد و پنجاه و ششم شرح حدیث عنوان بصری که در طی سالیان متمادی حضرت آیه الله طهرانی در آن به اهمیّت ماه شریف رجب اشاره فرمودند

فهرست موضوعات:

۱. روایت ملکه داعی

۲. تأکید مرحوم علامه طهرانی بر اهمیت ماه

رجب به رفقا و دوستان

۳. بهترین کار برای سالک این است که در آغاز

ماه رجب توبه کند

۴. فیوضاتی که در ماه شعبان و رمضان نصیب

انسان می شود، از ماه رجب منبعث می شود

۵. ماه رجب ماه فناء فی الله است

۶. ماه رمضان برای عامه مردم انفع است ولی ماه

رجب برای خصوص سالکان الی الله نفعش از ماه

رمضان بیشتر است

۷. تأثیرات ماه رجب بر نفس سالک تأثیرات

بنیادی و عمیق است

۸. ماه رجب ماه خداست! در ماه خدا غیر خدا را

نباید داخل کرد

۹. توصیه بزرگان راجع به شدت مراقبات و

کیفیت صحبت کردن در این ماه شریف

۱۰. صحبت کردن مهم‌ترین آفت سلوک در نزد

بزرگان است

۱۱. قلب انسان یا جای رحمان است و یا جای

شیطان

۱۲. چگونه ضرر صحبت بیهوده را دریابیم

۱۳. سالک باید در ماه رجب تصور کند که تازه

متولد شده است

۱۴. اعمالی که به سیر سالک در مسیر حق سرعت

می بخشند

۱۵. عیادت مرضی، رفتن به قبرستان

۱۶. اصلاح ذات‌البین

۱۷. مطالعه احوال بزرگان

۱۸. اعمال شب جمعه اوّل ماه رجب (لیلۃ

۱۹. تأکید بزرگان بر روزه ماه رجب

۲۰. تأکید بزرگان بر زیارت مشاهد مقدسه در ماه

رجب

۲۱. قرائت قرآن در ماه رجب

۲۲. کیفیت ادعیه، تهجد و تفکر در ماه رجب

۲۳. شرحی مختصر بر دعای شریف خاب

الوافدون علی غیرک

۲۴. تأکید بزرگان بر ذکر مدام در ماه رجب

۲۵. ما محتاجیم هر چند که حضرت حق مشتاق

است

بسم الله الرحمن الرحيم

آمدن ماه رجب یعنی دوباره دعوتنامه ای الهی
برای ما فرستاده شده است که دوباره ما تو را دعوت
کردیم اگر خودت نیامدی و پای این سفره نشستنی
این دیگر به خودت مربوط است، ما دعوت را
فرستادیم و نگویند که از کجا معلوم است که این
برای ماست، این برای بزرگان است، این حرفها را

نزنید، بزرگان در همان موقع که مثل ما بودند، مثل ما بودند، تفاوتی با ما نداشتند، فقط تفاوتشان یکی بود که همتشان را بردند بالا و آلا اول بزرگان که بزرگ نبودند و اولیای خدا که ولیّ نبودند، اول آن علمای ربّانی که عالم ربّانی نبودند، کم کم آمدند همّت داشتند و صلابت داشتند و مسأله را گرفتند.

روایت ملکه داعی

از پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم روایت شده است که فرموده اند : **ان الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكاً يقال له الداعي** «خداوند متعال در آسمان هفتم (آسمان هفتم یک مسأله عجیبی است، نمی فرماید در آسمان اول یا دوم یا سوم یا چهارم، می فرماید در آسمان هفتم که آن مقام تجلیات ذاتی است) خداوند ملکی را در آنجا قرار داده است که به او داعی می گویند (یعنی کسی که افراد را می خواند، صدا می زند) **فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه إلى الصباح** «چون ماه رجب داخل می شود این ملک هر شب تا صبح صدایش

بلند است» طوبی لِذَّاكِرِینَ، طوبی لِطَّائِعِینَ «خوشا به حال آن کسانی که در حال ذکر هستند، خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعتند» سپس ملک می گوید: **يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: اَنَا جَلِيسٌ مِّنْ جَاكِسِنِي** «خداوند متعال می فرماید من همنشین کسی هستم که خود را با من همنشین کند» **وَ مُطِيعٌ مِّنْ اطَاعَنِي** «من اطاعت کسی را می کنم که او اطاعت مرا بکند» توجه کنید! خداوند متعال می فرماید: **مِنْ اطَاعَتِیْ مِیْ کُنْمِ وَ غَافِرٌ مِّنْ اسْتَغْفَرَنِيْ** «و می بخشم کسی که از من طلب بخشش کند» **الشَّهْرُ شَهْرِيْ** «این ماه، ماه من است» **وَ الْعَبْدُ عَبْدِيْ** «این بندگان همه بندگان من هستند» **وَ الرَّحْمَةُ رَحْمَتِيْ** «رحمت هم اختصاص به من دارد» **فَمَنْ دَعَانِيْ فِيْ هَذَا الشَّهْرِ اجَبْتُهُ** «کسی که مرا در این ماه بخواند او را اجابت می کنم» **وَ مَنْ سَأَلَنِيْ اعْطَيْتُهُ** «کسی که از من بخواهد به او می دهم» **وَ مَنْ اسْتَهْدَانِيْ هَدَيْتُهُ** به این عبارت خیلی توجه کنید «کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایتش می کنم» یعنی تمام جملاتی که در اینجا

هست یک طرف، این یک فقره در اینجا یک طرف!
ما در این ماه باید از خدا بخواهیم که خدا ما را
هدایت کند، هدایت کردن یعنی موانع را از جلوی
راه برداشتن، راه خود را مستقیم کردن و از خطرات
حفظ کردن. **وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ
عِبَادِي** «من این ماه را ریسمان بین خودم و بین
بندگانم قرار دادم» **فَمَنْ اعْتَصَمَ بِي وَصَلَّ إِلَيَّ** «هر کسی
که به این ریسمان چنگ بزند به من می رسد»

تأکید مرحوم علامه طهرانی بر اهمیت ماه

رجب به رفقا و دوستانشان

ماه رجب ماهی است که فیوضات پروردگار در
این ماه خیلی زیاد است و از کیفیت ادعیه ماه رجب،
ما می توانیم این مطلب را استنباط کنیم. دعاهاى آن
با ادعیه سائر ایام فرق می کند. جنبه توحیدی در این
دعاها غلبه دارد. دأب و دیدن مرحوم علامه طهرانی -
رضوان الله علیه- اینگونه بود و بنده به کرات و
مرات شاهد بودم که ایشان هر ساله قبل از ماه رجب
دوستان و شاگردان شان را جمع می کردند و راجع به
اهتمام ماه رجب و فضائل این ماه برای آنها مطالبی

را بیان می کردند و خیلی تأکید داشتند بر اینکه انسان در این ماه باید خیلی مراقبت و مواظبت کند. مراقبه او و توجه او باید از سایر شهور و ایام بیشتر باشد. و حساب جدایی برای این ماه نسبت به سایر ماهها در نظر می گرفتند. حتی به یاد دارم در بعضی از این مجالس می فرمودند که بزرگان طریق و اولیاء الهی از ماهها قبل مراقبه و مجاهده و توجه خودشان را بیشتر می کردند، کمتر صحبت می کردند، و مطالبی را که ضرورت نداشت بیان نمی کردند. تا اینکه توجه آنها به نفس و تمرکز آنها بیشتر شده باشد و از تشّت و افتراق دورتر باشند و به تجمع و جمعیت و اجتماع نزدیک تر باشند، خلاصه بیشتر در خودشان باشند تا اینکه بخواهند به مسائل دیگری فکر کنند. آنچه را که من بدون توجه به روایات و احادیثی که در فضیلت ماه رجب آمده است از تجربیات شخصی خودم با ایشان و سایر بزرگان به یاد دارم این است که در تمام ایام سال، به این ماه نسبت به سایر ماهها اهتمام بیشتری داشتند.

بهترین کار برای سالک این است که در آغاز

ماه رجب توبه کند

ورود در ماههای حرام و ماههایی که مورد عنایت و لطف خاص پروردگار است آداب و شرایطی دارد، شما وقتی که به دیدن یک نفر می روید با همان لباسی که در منزل است که نمی روید، لباس خود را عوض می کنید، حمام می روید، عطر می زنید، خودتان را آماده می کنید، چه صحبتی بکنید؟ چگونه تکلم کنید؟ ماه رجب هم از دیدگاه اولیاء الهی یک چنین خصوصیتی دارد، لذا می فرمودند بهترین کار برای سالک این است که توبه کند، قبل از ماه غسل کند، غسل توبه و غسل استخاره و سر به سجده بگذارد بعد از دو رکعت نماز، صد مرتبه «اَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ» بگویند یعنی خدایا من خودم را برای ورود در این ماه می خواهم آماده کنم، دست و پای خودم را می خواهم جمع کنم، وضع خودم را می خواهم درست کنم و حساب خودم را می خواهم با تو تصفیه کنم! در یک جایی بودیم و رفقا از من سؤال کردند، بهترین عمل برای ماه رجب

چیست؟ گفتم: من همانی را عرض می‌کنم که بزرگان فرمودند، بهترین عمل این است که انسان خود را از خود بیرون بیاورد، از خودیت بیرون بیاورد و بعنوان یک عبد باشد و اراده خود و اختیار خود را تسلیم اختیار پروردگار کند، هرکاری را قبل از اینکه بخواهد انجام دهد، اول ببیند که خدا چه می‌خواهد؟ بعد انجام بدهد، هر فکری که می‌خواهد در ذهنش بیاید اول ببیند که خدا بر چه امری رضایت دارد؟ بعد راجع به آن فکر کند، هر اقدامی که می‌خواهد بکند اول یک جنبه اتصال و ارتباط به او را در نظر بگیرد و بعد نسبت به این قضیه اقدام کند، این مقام عبودیتی است که اگر خداوند توفیق بدهد به بنده‌ای، می‌تواند حظّ و نصیب بیشتری را ببرد.

فیوضاتی که در ماه شعبان و رمضان نصیب

انسان می‌شود، از ماه رجب منبعث می‌شود

می‌توانیم بگوییم که فیوضاتی که در ماه شعبان و

رمضان هم حتی نصیب انسان می‌شود، از ماه رجب

منبعث می‌شود و از این ماه است که به ماه شعبان و

ماه رمضان سرایت پیدا می‌کند و رجب را «شهرُ
 الله» می‌گویند. یعنی اختصاص به خود خدا دارد و
 جهتش را هم آنطوری که می‌فرمودند و از بزرگان
 شنیده شده، این است که تجلیات حضرت حق در
 ماه رجب بیش از سایر ایام است و روایت «أَلَا إِنَّ
 لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا وَ
 لَا تَعَرَّضُوا عَنْهَا» که از پیغمبر اکرم مروی است را
 مربوط به ماه رجب می‌دانستند. البته ممکن است
 مربوط به سایر ایام هم باشد، ولی در ماه رجب این
 حالت شدیدتر است. روایت پیغمبر اکرم که
 می‌فرمایند: بدانید که خداوند متعال در هر وقتی از
 اوقات یک نفحاتی دارد که نفحات خاصه‌ای است و
 مواظب باشید، پیگیر باشید، مترصد و مراقب باشید
 که خود را در جنب و در کنار این نفحات قرار بدهید
 و مبادا إعراض کنید و آن غفلت شما موجب بشود
 که آن نفحه بیاید و به شما نخورد و شما را بهره‌مند
 و متنعم نکند.

فلهذا المؤمن کیس «آدم مؤمن، رند است» و آدم
 رند و زرنگ آن کسی است که از بهترین فرصتها،

بهترین نتیجه‌ها را می‌گیرد؛ این را می‌گویند آدم رند و زرنگ. اگر قرار است انسان زرنگ باشد، زرنگ در امر آخرتش باشد. آدم رند و زرنگ به آن آدمی می‌گویند که خودش را - آقا! - معطل دیگران نکند. این می‌شود آدم زرنگ. معطل دیگران: زید چطور است، من هم اینجور باشم؛ پا به پای او بخوام بیایم. نه، آقا جان! دیگران حساب و کتابی برای خودشان دارند، ما برای خودمان حساب و کتابی داریم. هر کسی برای خودش حساب و کتاب خاصی دارد معطل بقیه نخواهیم بشویم قافیه را باختیم؛ قافیه را از دست دادیم. پس به دنبال این بگردیم چه کاری انجام بدهیم که بیشتر بتوانیم استفاده بکنیم.

ماه رجب ماه فناء فی الله است

ماه رجب ماه فناء فی الله است، ماه خداست، شهر الله است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: « الرَّجَبُ شَهْرُ اللَّهِ وَ شَعْبَانُ شَهْرِي وَ رَمَضَانُ شَهْرُ امَّتِي »؛ رجب ماه خداست، شعبان ماه من است که منظور ولایت است و رمضان ماه امت من

است، ماه عموم امت من است.» یعنی یک ارتباط خاصی بین نفوس و بین پروردگار در ماه رمضان هست که ماه امت است. ولی رجب شهر الله است، رجب ماه خداست! یعنی یک حالت خاصی در ماه رجب برقرار است که از آن حالت خاص، اهل الله فقط استفاده می‌کنند، نه هر کس دیگر. استفاده‌های دیگران ضعیف است. اهل الله هستند که این ماه را می‌توانند درک کنند. یعنی جاذبه‌های مقام ربوبی و توحیدی و بارقه‌های توحیدی که سالک را زیر و رو می‌کند و تعلق سالک را از همه چیز قطع می‌کند و او را فقط متوجه به حقیقت توحید می‌کند و از همه آن تزییلات و فروعات و رشته‌ها و تعلقات و ارتباطات می‌برد، آن در ماه رجب است. حتی ماه رمضان هم این کار را انجام نمی‌دهد. ماه رمضان ماه رحمت است، ماه برکت است، ماه انبساط است، ماه غفران است، خدا همه را می‌بخشد. ولی آن عمل زیر بنایی متعلق به ماه رجب است. بخشیدن گناه به درد سالک نمی‌خورد، بخشیدن گناه اولین چیزی است که ما انتظارش را از ائمه و از شفعا داریم که بیایند و

شفاعت ما را بکنند. آنچه که به درد سالک می خورد
حالت انبساط نیست، آنچه که به درد سالک می خورد
حالت بهجت نیست، نه این که اینها بد است، اینها
خیلی خوب است! گیر هر کسی هم نمی آید، خیال
نکنید! ولی آنچه که بدرد آن سالک واقعی و رندی
که همه چیز را می خواهد در راه خدا ببازد و از همه
چیز بگذرد و ژولیده و سر و پا برهنه فقط در حریم
او بیاید دیگر در آنجا بخشش گناه و انبساط و بهجت
و اینها نیست آن یک آتشی را می خواهد که بزند به
وجودش و او را خاکستر کند این بدرد سالک
می خورد و این در ماه رجب است. لذا می گویند
رجب شهر الله است.

ماه رمضان برای عامه مردم انفع است ولی ماه

رجب برای خصوص سالکان الی الله نفعش از

ماه رمضان بیشتر است

ماه رمضان برای عامه مردم نفع بیشتری دارد ولی

ماه رجب برای خصوص سالکان الی الله از ماه

رمضان نافع تر است در واقع ماه رجب تفاوتش با

دیگر ماه ها این است که بروزات آن خفی است، در

ماه رمضان همه می فهمند، همه این اختلاف را متوجه می شوند، همین روزه ای که انسان می گیرد می فهمد که این روزه چه تغییری در او ایجاد کرده است حتی افرادی که خیلی اهل این مطالب هم نیستند معترف اند، متوجه می شوند و می فهمند ولی ماه رجب را کسی نمی فهمد، نکته اش هم همین است، ماه رجب برای خاصان است، لذا خدا نگذاشته که همه بفهمند، متعلق به کسانی است که به دنبال مطلب هستند، برای آنهایی است که در راه اند، برای آنهایی است که به دنبال یک چاره ای می گردند، ماه رجب برای آنهاست، اهتمام بزرگان نسبت به ماه رجب حتی از ماه رمضان هم بیشتر بود و عبارت ایشان این بود که ماه رجب و ماه های حرام، ماه هایی هستند که سالکین نسبت به این ماه ها باید واکنش و حساسیت بیشتری نشان بدهند، مسأله یک مسأله اعتباری و توهمی نیست، بلکه یک مسأله واقعی است، مشخص است وقتی که ماه رجب می آید حال و هوا با ماه جمادی فرق دارد، چطوری که شما ماه رمضان را می فهمید و متوجه می شوید!

حال و هوا در ماه رمضان تفاوت می کند، چطور وقتی محرّم می آید متوجه می شوید حال و هوا عوض شده است، آن اثر معنوی این حادثه، چطور فضا را تغییر می دهد و محزون می کند و فضا را فضای دیگری می کند.

به طور کل همان طوری که اسماء و صفات الهی متفاوت است و هر اسم یک اثر خاصی دارد و هر صفت یک اثر خاصی دارد این نزول اسماء و صفات الهی بر این عالم و در نفس، هر کدام اینها یک جنبه از جنبه‌های تربیتی و تکاملی انسان را به وجود می آورد فلهمذا ما مشاهده می کنیم در قضایای مختلف اثرات مختلفی برای انسان پیدا می شود در حوادثی که برای انسان پیش می آید یک اثرات خاصی دارد، نماز برای انسان یک اثری دارد که آن اثر را روزه ندارد! روزه یک اثری برای انسان دارد که آن اثر را نماز ندارد! هر کدام از اینها یک اثر خاص به خودش را دارد حج برای انسان یک اثری دارد که آن اثر را روزه ندارد اگر شما به جای حج روزه بگیرید فایده ندارد! هیچ فایده ای ندارد! چرا؟ چون جهات

وجودی نفس متفاوت و متکثر است و این عبادات برای تکمیل و ترمیم و تدبیر یک جنبه از جهات مختلفهٔ نفس وضع شده و مشروع شده است. همین طور ایام و اوقات هم اثرات خاصّ به خودشان را دارند.

تأثیرات ماه رجب بر نفس سالک تأثیرات بنیادی و عمیق است

در ماه رجب، عرض شد که گرچه رحمت پروردگار شامل همهٔ افراد است اما یک خصوصیت خاصّ نسبت به اولیاء خودش و افرادی که از نقطه نظر سلوکی مراتبی را طی کرده‌اند دارد و حالات و جذبات توحیدی در ماه رجب بیشتر از دیگر ایام است یعنی آن جنبهٔ حالات توجه انسان و آن روحانیت، انبساط، حالت لطافت، حالت سبکی، در ماه رجب مسأله به نوع دیگری وجود دارد؛ حالات، حالات سنگین سلوکی است، حالات سنگین آن جذبات توحیدی است و واردات و بارقات و تأثیراتی که در ماه رجب بر نفس وارد می‌شود آن تأثیرات، تأثیرات عمیق‌تری است، تأثیرات زیر بنایی

تری است نسبت به آنچه که در سایر ایام الله (که) شعبان و رمضان و یا فرض بکنید که در ذی القعدة به خصوص دهه اول ذی الحجّه که بسیار آن جلوات و جذبات خاصی دارد در آن عشر اول ذی الحجّه (وجود دارد و خود ایشان هم در ماه رجب یک تغییراتی داشتند التفات کردید ماه رجب یک جنبه خاصی که دارد این است که یک نوع اثر عمقی روی آن خصوصیات نفس و روی کیفیت ارتباط انسان با آن حقیقت توحید دارد منظورم از آن اثر عمقی این است که در بعضی از اوقات انسان احساس خوشی، احساس راحتی، احساس انبساط و روحانیت می‌کند، نماز می‌خواند یک احساس روحانیتی برایش پیدا می‌شود، روزه می‌گیرد یک احساس روحانیتی برایش پیدا می‌شود دلش می‌خواهد ادامه بدهد، این حالت حالتی است که ما احساس روحانیت و نورانیت در خود می‌کنیم ولی بعضی از این عبادات و بعضی از کارها یک اثرات عمقی دارند یعنی ممکن است برای انسان آن حالت روحانیت ظاهری نباشد ولی در باطن یک جوری قضیه را

عوض می‌کند که نفس را زیر و رو می‌کند، برنامه ماه رجب این طوری است یعنی خصوصیات نفس را و کیفیت ارتباط انسان با پروردگار را در عمق تغییر می‌دهد.

ماه رجب ماه خداست! در ماه خدا غیر خدا را

نباید داخل کرد

حضرت علامه طهرانی به طور کلی در زندگیشان، در اعمال شخصی خودشان، توصیه به مراقبت بیشتری می‌کردند و به رفقا و دوستان می‌فرمودند: ماه رجب ماه الهی است، در ماه خدا غیر خدا را نباید انسان داخل کند.

توصیه‌های بزرگان راجع به شدت مراقبه در

این ماه شریف

رفقا از رعایت آداب و خصوصیات ماه رجب غفلت نکنند که این مآدبه، مآدبه الهی است و سفره‌ای که خداوند متعال برای بندگان خاص خودش در این ماه قرار داده است و در سایر ماهها نیست، تأثیرهایی که به واسطه فیوضات الهی در این ماه می‌آید، با ماههای دیگر تفاوت دارد و انگار یک جنبه توحیدی

و تجلیات قوی تری در این ماه وجود دارد، که برای قطع تعلقات در این ماه تأثیر بسیار زیادی دارد، بزرگان دستور می‌دادند که برای ورود به این شهر مبارکه (ماه رجب و شعبان و رمضان) از قبل خودتان را آماده کنید! نه اینکه از شب اول رجب بگوئید که: خوب ماه رجب آمد حالا بساطمان را آماده کنیم! نه! از مدتی قبل خودتان را آماده کنید تا قلبتان برای وفود در این ماه آماده باشد! آماده کردن خود یعنی چه؟

۱. صحبت کردن مهم‌ترین آفت سلوک در نزد

بزرگان

آمادگی یعنی: مراقبت، مراقبت بیشتر و عنایت بیشتر و رعایت بیشتر نسبت به آنچه که به نظر انسان می‌رسد که او مقرب است، هر کسی، هر چیزی را که به نظرش می‌رسد، در همان محدوده ظرفیت خودش انجام بدهد! یعنی صحبت با افراد را کمتر کنیم! از حرف‌های بی‌خود و بی‌معنا پرهیز کنیم! در دفتر کارمان هستیم، یکی می‌خواهد بیاید با ما بنشیند حرف بزند به او بگوئیم: آقا برو با دیگری حرف بزن! (حرف‌های بی‌اساس، نه حرف‌های ضروری

که مربوط با کار هست، بلکه مسائل بی ارزش مثل اینکه فلان چیز گران و فلان چیز ارزان شد یا فلان جا زلزله آمد و از این حرف‌هایی که همه می‌زنند) یا در جایی هستیم و می‌بینیم افراد دارند صحبت می‌کنند گوش به آن صحبت‌ها نسپاریم، دل به آن حرف‌ها نسپاریم همین که دل می‌سپاریم آنها می‌آیند و در دل اثر می‌کنند! همانطور که تیر می‌آید و آن زهر خودش را وارد می‌کند! ولی اگر نه، به هنگام صحبت دیگران فقط یک چیزی از گوشش بگذرد و به آن توجه نکند این اثر ندارد! باید دائم به ذکر مشغول باشیم ولو اینکه به زبان نیاوریم! مراقبه را بیشتر کنیم، در حد ضرورت مسائل را مطرح کنید، از توجه به مسائل زائد که چندان نفعی به حال ما ندارد، اخبار اینطرف و آنطرف چه می‌شود؟ بالا چه می‌شود؟ دیدنها، مسائل، ظواهر، آداب، رفت و آمدهای بیجا، ارتباطهای بیجا که فقط غیر از اتلاف وقت و تشویش اذهان و اضطراب خاطر ثمرهای ندارد، انسان باید پرهیز کند. حال که مسئله به دست ما نیست و ما که کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. و ما که نمی‌توانیم

تأثیری بگذاریم، اقلأً به خودمان پردازیم، غیر از اینکه ذهنمان فرمان با این مسائل به تشویش بیافتد و به اضطراب بیافتد و برای ورود و نفوذ جلوه‌های الهی قلب آرام و ضمیر مطمئن لازم است شما یک مسئله ریاضی را می‌توانی با فکرناراحت حل کنی؟ یا معادله را می‌توانی با یک فکر مشویش بخوابی حل بکنی؟ می‌شود؟ نمی‌شود در فیوضات الهی هم شرطش قلب آرام و نفسی صاف است، قلبی که در اضطراب است فیض الهی بر آن نمی‌آید که نمی‌آید، می‌آید رد می‌شود به یکی دیگر می‌خورد.

قلبی که در افکار غیر صحیح و غیر واقعی دارد دور می‌زند، آن فیض می‌آید و رد می‌شود، نمی‌ایستد، گیرنده وجود ندارد، فرستنده هست، گیرنده نیست، نمی‌گیرد، پس باید شرایطش را آماده کرد، موانع را از سر راه برداشت تا اینکه انسان بتواند فیض بیشتری ببرد، هر چه در این ماه حالت سکوت و حالت سکون و آرامش بیشتر باشد واردات بیشتر خواهد شد و بالعکس، ملائکه در جایی که تشویش و اضطراب است نمی‌آیند، ملائکه در جای سکون و

آرامش می‌آیند، ملائکه در جایی که دائماً محلّ
جولان فکر و تخیلات و خیالات است نمی‌آیند.
سکوت یک وزانی را در انسان به وجود می‌آورد که
با حرف، یک همچین وزان و یک همچین متانتی و
یک همچین پُری که لازمه این قضیه این است که
افاضات الهی بر قلب انسان بیاید، با صحبت یک
همچین چیزی نمی‌آید. افرادی که زیاد صحبت
می‌کنند، قلب آنها مشوّش است، اضطراب دارد.
دیدید بعضی‌ها فرض کنید که ما مثلاً دیدیم، مرحوم
علّامه طباطبایی یا مثلاً بزرگانی را دیدیم یا مثلاً
مرحوم آقای حدّاد، در مجلس که می‌نشستند، تا از
ایشان سؤال نمی‌کردیم حرف نمی‌زدند؛ یا علّامه
طباطبائی، یک ساعت می‌نشستیم، همینطور به انسان
نگاه می‌کرد. ولی بعضی‌ها می‌گویند: آقا! یعنی چه؟
انسان بنشینند هی همینطوری نگاه بکند، ساکت، یک
حرفی بزنیم، یک چیزی، آقا! هوا گرم است، خیابان
شلوغ است، جنسها گران شده، یک حرفی بالأخره
بزنیم، این روش یعنی چه؟

اینها اضطراب دارند، در نفسشان اضطراب دارند،

این اضطراب نمی‌گذارد که آرام باشند. ارتباط انسان با اینگونه افراد برای انسان مضرّ است. انسان با افرادی باید ارتباط داشته باشد که این حالت در آنها کمتر است، حالت سکون و آرامش در آنها بیشتر است و در این زمینه روایات زیاد است که ملائکه در سکون‌اند، شیاطین در اضطرابند.

نباید به دنبال آن بود که زید فلان حرف را زد، عمر فلان مطلب را گفت، چرا فلانی نسبت به من این فکر را کرد؟ اینها به درد ماه رجب نمی‌خورد. اگر شخصی با این تصوّرات و تخیلات داخل در ماه رجب بشود نصیبی نخواهد داشت. تا آنجایی که به نظرم می‌رسد مرحوم آقا در قضیه سکوت خیلی تأکید داشتند، حتی مطالب مفید، در مورد مطالب غیر مفید که جای صحبت نیست و اما مطالبی که مطالب مفیدی هم هست مطالب خوبی هست من حیث المجموع، باز هم انسان در این سه ماه مراقبت بیشتر داشته باشد و سکوت را باید رعایت کند، مگر در موارد ضرورت که آن یک مطلب دیگری است، و حتی ایشان می‌فرمودند که بسیاری از شاگردان

اساتید و بزرگان در این سه ماه در حالت خلوت خودشان و در آن حالت توجه به خود در دهان خود ریگ می گذاشتند که تا اگر یک جایی صحبتی پیش می آمد و نفس تمایل به عرض اندام و اظهار مطلب پیدا می کرد، پیدا می شود دیگر در مجالس گاهی یک نفر یک حرفی می زند و می بینیم خلاف است و نفس تحریک می شود و باید حرف بزند ، نه آقا بنشین سر جایت و گوش بده ، نیازی نیست، عرض کردم دیگران حقّ مطلب را ادا می کنند و نیازی نیست که انسان بیاید و از خود مایه بگذارد الحمد لله من به الکفایه موجود هست اگر وجوب، وجوب کفایی باشد بعضی ها در مقام ادای تکلیف هستند، این بعضی ها این کار را انجام می دهند و نیازی نیست که ما این کار را بکنیم! ولی این مطلب را دائماً انسان باید در مراقبه خودش قرار بدهد و نتیجه اش را خواهد دید ، مسأله سکوت بسیار مهم است، و چه بسا انسان بسیاری از عبادتهای خودش را و توجهات خودش را و آن آثار را به واسطه یک کلام از دست می دهد ، و انگار نه انگار که کاری انجام داده و

زحمتی کشیده و مراقبه ای انجام داده ، مخصوصا در مشاجرات در داخل منزل، که این خیلی مسأله مهمی است که انسان باید از اینگونه مسائل خود را به دور نگه دارد و بی دلیل در هر چیزی داخل نشود و اظهار سلیقه نکند و مقداری اختیار را در امور به دیگران واگذار کند در حدی که مورد اختیار آنهاست نه اینکه بخواهد از حد و مرز تعدی شود ، بگذارد در این مسأله مقداری کنار باشد نسبت به شریک و همسایه ، بیرون در رفت و آمد و حرکت و به عنوان مثال در ماشین نشسته است ، یک کسی خلافی می کند لازم نیست انسان جوابش را بدهد اگر انسان بخواهد در کوچه و خیابان جواب همه را بدهد که دیگر شیرازه همه چیز از هم گسسته می شود ، ما نباید به اعمال و رفتار دیگران نگاه کنیم ، ما باید به وظیفه خود نگاه کنیم ، اگر بخواهیم به دیگران نگاه کنیم کلاه ما پس معرکه است و هیچ نتیجه ای نمی بریم و هیچ گاه دیگران را مثل خودمان نخواهیم کرد ، این فایده ای ندارد ما باید به خود نگاه کنیم که در قبال کارهای مختلف دیگران چه عکس العملی نشان بدهیم ،

حرف بزنیم یا نه؟ ساکت باشیم و بگذریم و کار عوام را به عوام واگذار کنیم و کار جاهل را به جاهل واگذار کنیم و بالاخره یک فرقی باید باشد بالاخره باید یک امتیازی باشد نمی شود که مسأله به این کیفیت باشد که در منظر است. باید دانست که صحبت کردن یکی از مهم‌ترین آفاتی است که این مهمان‌های پروردگار را از دل ما بیرون می‌کند! خیلی عجیب است: آنقدر که بزرگان راجع به این مسأله تذکر دادند دربارهٔ سائر مسائل سفارش نکرده‌اند.

۲. قلب انسان یا جای رحمان است و یا جای

شیطان

این مهمان که می‌رود باید مهمان دیگر بیاید چرا که خانه خالی نمی‌شود زیرا قلب خالی نمی‌شود یا جای رحمان است یا جای شیطان! آن مهمان‌ها می‌روند بیرون مهمان‌های دیگر می‌آیند! این وسط ما حالت خلاء نداریم و شقّ ثالثی نیست! باید در خود بنگریم و ببینیم در قلب خود چه مهمان‌هایی را داریم.

۳. چگونه ضرر صحبت بیهوده را دریابیم

شما یک نماز بخوانید و بعد از نماز در همان

سجاده تان بنشینید و به سکوت بگذرانید و به حال خود باشید در اینحال ناگهان کسی بر شما وارد بشود و شروع کنید با او به حرف زدن، وقتی که رفت حال خودتان را با حال قبل مقایسه کنید خواهید دید که چقدر فرق کرده است! زیرا این حرف زدن تمام آن حالات آرامش و سکونت را می‌گیرد و با خود می‌برد! و لذا از الآن باید متوجه این مسأله بود.

۴. وظایف سالک در شب و روز

برای این منظور بهتر است انسان اوقات خود را هم تنظیم کند، شب بهتر است زود بخوابد، غذای او غذای مناسبی باشد از این مسائلی که سایر افراد به آن مبتلا هستند باید پرهیز کند، اخبار و مسائل بی‌ارزش، تصاویر، دیدن این فیلم‌ها و مسائلی که غیر از اتلاف وقت و ورود شیاطین در حوزه منزل و وجود انسان هیچ اثر دیگری ندارد همه اینها را کنار بگذارد؛ قبل از خواب بهتر است از کلمات بزرگان و مطالب آنها چند صفحه‌ای مطالعه نموده به آنچه را که گفته شده است عمل کند؛ شب با وضو بخوابد و صبح زود برخیزد تا برای نماز آمادگی داشته باشد.

۵. وظیفه سالک در خارج از منزل در ایام این ماه

وقتی که از منزل خارج می‌شود فقط به این نیت باشد که می‌رود تا یک تکلیفی را انجام دهد و برگردد! خود را آغشته با مسائلی که در دور و بر است نکند و از مطالب آنها پرهیز کند، اینها است که باعث می‌شود حالت آمادگی و تهیو برای انسان پیدا بشود!

۶. قدردانی از مواهب الهی موجب توفیق بدست

آوردن مرتبه بعد می‌شود

علی کلّ حال، این را ما باید بدانیم: هر مرتبه‌ای از تقوی را که خداوند نصیب ما کرد، اگر قدر دانستیم و از آن محافظت کردیم و اگر بر طبق دستور عمل کردیم، توفیق برای مرتبه بعد پیدا می‌شود، و اگر عمل نکردیم آن مطلب بعدی از دست خواهد رفت!

کیفیت معاشرت در ماه رجب

مرحوم علامه طهرانی دستور می‌دادند سالک باید ارتباطش را با افراد به حداقل برآورده و معاشرت برساند، با هر کسی صحبت نکند، نفوسی که گناه کار هستند در ارتباط با انسان اثر می‌گذارند، هر کدام یک

اثری می‌گذارند خواهی نخواهی. رفتن هر جا و دیدن هر کس این برای انسان صحیح نیست. از طرفی بیشتر کردن مجالست با دوستانی که ارتباط با آن دوستان انسان را از ماده و مادیات بیرون بیاورد. رفت و آمد با برادران روحانی اخلاء روحانی و برادران ایمانی خیلی مؤکد است و تأثیر بسزایی در انبساط و رفع قبض دارد. بسیار مهم است که انسان با چه کسانی معاشرت داشته باشد و صحبت کند و با چه کسانی برخورد کند چه بسا ممکن است که یک صحبت و یک برخورد حال انسان را متغیر کند و این مسأله برای خود من بسیار اتفاق افتاده یک مرتبه من در یک حال و هوایی بودم و مدتی این مسأله ادامه داشت یک شب از جایی می‌گذشتم و یک نفر از افرادی که فرد مخالفی بود و این وسط راه به ما سلامی کرد و ما علیکی گفتیم و یک حال و احوال پرسید و همین و خدا حافظ شما، آن حال و هوای ما رفت که رفت و تا یکی دو هفته هم به این کیفیت ادامه داشت و دیگر آنقدر التماس کردیم که خدایا غلط کردیم، بالاخره مسأله صورت دیگری

پیدا کرد ، ببینید یک صحبت کردن ده ثانیه ای چه تأثیری دارد آن وقت ما با هر کسی رفت و آمد می کنیم و صحبت می کنیم و دل می دهیم و قلوبه می گیریم در ارتباطات و حرفها ، اینها تأثیری ندارد؟ لذا بزرگان در این معاشرت خیلی دقت کردند و چقدر این معاشرت در انسان اثر دارد ، انسان کاملاً می تواند عکس العمل آن نفوس را در خود حس کند ، با اولیای خدا اگر انسان بنشیند یک جور است و با غیر اولیای خدا یک قسم است ، این همان اثری است که این دارد احساس می کند ، همان اثر نفس همان اثر صفای روح ، همان اثر خلوص ضمیر خواهی نخواهی منتقل می شود ، و این را عوض می کند و تغییر می دهد ، مقابل این مسأله هم وجود دارد ، اگر انسان با افرادی که اینها دارای اعوجاجات و انحراف هستند و فساد باطل هستند و کدورت و ظلمت ضمیر هستند ، با آنها بنشیند کم کم بدون اینکه خود متوجه شود تغییر پیدا می کند ، یک دفعه می بیند عجب من سابق چه حالی داشتم و الان چه حالی دارم ، راجع به محیط چقدر ایشان تذکر می دادند که

انسان در آن محیطی که هست باید مستعد باشد نه فاسد ، اینهمه ایشان میگفتند رفتن به کشورهای کفر برای انسان ضرر دارد و سکونت در آنها حرام است برای چیست؟ چون در آنجا روح نیست و روح در آنجا وجود ندارد ، الان می گویند چه اشکالی دارد در آنجا نماز هم می خوانیم ، آنجا نماز نیست! عروسک است! ربات است ، ربات کوکش کنید راهش بیندازیم او هم شروع می کند دستهایش را بالا و پایین می آورد ، این نمازی که در ولایت امام زمان است خیلی فرق می کند با آن نمازی که در آنجاست با آن نمازی که در مکه و در عتبات است خیلی فرق می کند ، چرا؟ چون در اینجا نور ولایت است و آنجا کدورت است ، در آنجا توجه نیست این حالت می آید انسان را منگ می کند ، انسان نمی فهمد، می گوید خب نماز هم می خوانیم و طوری نشده و روزه هم می گیریم و قرآن هم می خوانیم ، بسیار محیط در این مسأله تأثیر دارد.

جلوگیری از مسائلی که نفس را از پیشرفت باز

می دارد

باید از ورود افکار و تخیلات به ذهن خودداری کرد. خوب انسان می نشیند، تخیلات می آید، افکار می آید از این طرف، از آن طرف، انسان جلویش را بگیرد و نگذارد بیاید. موانع برای حرکت را از سر راه برداشتن، ممکن است چیزهایی باشد در منزل یا در خارج، انسان با آنها برخورد کند، آنها تولید فکر، تولید خیال کنند برای انسان، ذهن انسان را از خدا دور کند، آن موانع را انسان بردارد اصلاً دیگر در جلوی چشمش نبیند. اشتغال به کارهایی که انسان را از آن توجه به پروردگار و توجه به خود، یعنی فرو رفتن در خود، باز می دارد و پراکنده می کند و قوه مخیله انسان را قویتر می کند و تخیل را در انسان بیشتر می کند را باید ترک نمود.

سالک باید در ماه رجب تصور کند که تازه

متولد شده است

پس شرط اولی را که مرحوم آقا ذکر می فرمودند این است که انسان قلب خود را از هر چه که تا به حال با او بوده پاک کند و اگر این کار را انجام ندهد هر چه ذکر بگوید فایده ای ندارد، هر چه توجه کند

فایده ندارد، چرا؟ چون این توجّه و ذکر توجّه
صوری است، توجّه عمقی نیست، عمق خراب
است، در او تشویش است، عمق در او هوا و هوس
است، در او تکثرات است، در او توغّل در کثرات
است، فایده ندارد، فقط از یک صورت ظهور پیدا
می‌کند و به همان صورت هم ختم می‌شود. پس
بنابراین اوّلین کاری که سالک باید انجام بدهد این
است که تصوّر کند در ماه رجب تازه متولّد شده
است. بچه‌ای که تازه از مادر متولّد می‌شود، آیا
دشمن دارد؟ هنوز در این دنیا کاری نکرده! دشمنی
ندارد! آیا بچه‌ای که از مادر متولّد می‌شود کسی
راجع به او حرفی می‌زند؟ کسی غیبتش را می‌کند؟
تازه متولّد شده و نه دوستی پیدا کرده، نه دشمنی پیدا
کرده، نه کسی را زده، نه به کسی بی‌احترامی کرده،
نه شخصی نسبت به او بی‌احترامی کرده، هیچی!
هیچ گونه ارتباطی نداشته! انسان باید تصوّر کند که
در ماه رجب متولّد شده و همچون بچه که در قلب
و در نفس او هیچ چیزی وجود ندارد. (بچه هیچ چیز
نمی‌فهمد فقط گرسنه‌اش بشود صدایش در بیاید

برای شیر خوردن همین، و آلا هیچ چیز نمی فهمد
حتی مادرش را هم نمی فهمد دیگر. البتّه یک
احساس خاصی دارد امّا.... دیگر نه کینه‌ای در بچّه
است، نه بُغضی در بچّه هست، نه حسدی، نه
حسابی هیچ چیز در او نیست!)

**اعمالی که به سیر سالک در مسیر حق سرعت
می بخشند**

۱. عیادت مرضی، رفتن به قبرستان

سر زدن به مرضی و عیادت کردن از آنان و
همچنین زیارت اهل قبور البتّه نه اینکه هر روز انسان
برود، هفته‌ای یکبار به قبرستان رفتن و طلب مغفرت
برای آنها کردن، آن هم نه ظهر و شب، بین الطلوعین
که دیگر قبرستانها پارک شده و باغ شده و باغ لاله و
گل و سنبل شده، این قبرستانها نه تنها انسان را از
کثرت بیرون نمی آورد بلکه انسان را متوجّه کثرات
و متوجّه دنیا می کند، قبرستانی پیدا کنید مثل همین
قبرستان حاج شیخ در قم، این قبرستان، قبرستان
است. قبرستان وادی السّلام. باید انسان در

قبرستانی برود که نگاه به این قبرستان او را تکان
بدهد ، بلرزاند، او را متوجه کند فردا نوبت توست ،
امروز برای این و فردا می آیند سر جنازه تو را می
گیرند، شوخی هم قضیه ندارد درست شد؟ برویم
بنشینیم ساعتی ، نیم ساعتی بنشینیم، همانطوری که
خود مرحوم آقا فرمودند در کتابشان یک فاتحه
بخوانیم بدون اینکه قرآن و چیزی، یک نیم ساعتی ،
یک ساعتی به سکوت بگذرانیم ، این سکوت از قرآن
خواندن اثرش در نفس بیشتر است. بعد حالا یک
سوره تبارکی ، یک سوره یس ، یک چیزی بخوانند
اشکالی ندارد، انسان برای اهداء ثواب برای آنها
بکند. مهم این است که در خود انسان این مسئله اثر
مثبت داشته باشد. عیادت مرضی کردن و صله رحم
کردن ، انسان به رحمش سر بزند، ببیند گرفتاری
دارد، برطرف کند. به زیارتش برود، عیادت مرضی،
رسیدگی به امور بیماران این به حال انسان سرعت
می بخشد ؛ صله رحم سرعت می بخشد؛

۲. اصلاح ذات البین

اگر کدورتی بین او و بین کس دیگر است،

درصدد برطرف کردنش بر بیاید ، اگر مسئله‌ای هست خود او اقدام کند، اینها را می گویند چی ؟ تهیؤ! اگر بین دو نفر نقاری است انسان آن نقار را برطرف کند این اثر بسیار عجیبی دارد، بسیار اثر عجیبی دارد. ایشان بارها می فرمودند: اگر شخصی اصلاح ذات البین را بکند، ممکن است بعضی از درهائی که به روی او بسته شده به واسطهٔ این عمل باز بشود، اصلاح ذات البین خیلی اثر عجیبی دارد. اصلاح ذات البین یعنی انسان شیطان را از بین دو نفر بیرون کند و جایش خدا را بیاورد ، این معنا معنای اصلاح ذات البین است. ایشان روی این مسأله خیلی تأکید داشتند.

در ادعیهٔ ماه رجب که در پیش است مگر نمی خوانیم : « خدایا مرا از جمله افرادی قرار بده که بسوی تو از هم سبقت می گیرند». مرحوم آقا ماه رجب که می آمد برای رفقایشان و تلامذه شان صحبت می کردند، غالباً من یادم است که این جمله را همیشه می گفتند: که وقتی قرار است ما سبقت بگیریم در یک امری و مردم سبقت بگیرند، ما در راه

خدا بر یکدیگر سبقت بگیریم ، سبقت در راه خدا با سبقت در بازار فرق می کند ، با سبقت در تجارت فرق می کند ، با سبقت در گرفتن متقاضی و مراجعه کننده از این و آن و داد و ستدهای پنهانی و ایادی مرموز فرق می کند ، سبقت در راه خدا به عبارت بزرگان سبقت است در آن اموری که انسان را از خودیت بیرون می آورد و به او می پیوندد، این مسئله چه در بازار می خواهد اتفاق بیافتد ، چه در منزل می خواهد اتفاق بیافتد یا در هر جای دیگر، «وَالَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يَسَارِعُونَ» امام می فرمایند: خدایا مرا ملحق کن به آن کسانی که در سبقت بسوی تو از هم پیشی می گیرند، نه اینکه بیشتر نماز می خواند، نه اینکه بیشتر دعا می کند، اینها همه بجای خود محفوظ ، نه اینکه در شب بر می خیزد و به تهجد می پردازد، اینها درست . آنچه که منظور امام علیه السلام است، این است که در آن اموری که بتواند مرا از نفس و خودم بیرون بیاورد مرا موفق کن، در آن اموری که بتواند مرا از خود برهاند و به تو پیوندد مرا موفق کن ، این معنا معنای سبقت است . در یک روایت داریم

که یک مسئله‌ای پیش آمده بود بین امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت سیدالشهداء در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهراً بوده ، گرچه یک احتمالی هم داشت که در زمان خود امامت و خلافت امام حسن علیه السلام باشد، یک مسئله‌ای پیش آمده بود، باصطلاح یک مسئله ظاهراً داخلی بوده ، یک قضیه داخلی بوده شاید بین اینها هم حتی نبوده ، دیدند امام حسین علیه السلام صبح لباس پوشیده دارد می رود. یکی از رفقای حضرت پرسیدند کجا می روید؟ حضرت فرمودند دارم می روم منزل برادرم! دارم می روم آنجا که این مسئله‌ای را که بوجود آمد من پیش قدم بشوم برای از بین بردنش، التفات کردید؟ من زودتر بروم و این را از بین ببرم و من جزء افرادی باشم به تعبیر حضرت سجّاد علیه السلام: «وَأَلْحِقْنِي بِالَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يَسَارِعُونَ» آدم رند این است دیگر! این را می گویند مسابقه، نه زیاد نماز خواندن ، نه قرآن زیاد خواندن . سباق ، یعنی عملی انجام بدهی که با آن عمل از خودیت و نفس بیرون بیایی و در راه رضای او وقتی قرار بر این

است که یک عملی انجام بگیرد شما زودتر انجام بده ، شما پیشقدم باش و چه بسا این پیشقدم شدن مشکلتراست ، مگر ما در بین خودمان نداریم؟ وقتی بین دو نفر یک مطلبی پیش می آید می گوئیم او بیاید عذر خواهی کند، چرا من بروم؟ دیگری هم می گوید، او بیاید عذر خواهی کند چرا من بروم؟ این می گوید من ، آن می گوید من! این گونه مشکلات همه جا هست، حالا ما الآن می خندیم، نه آقا جان در همه ما این قضیه موجود است. خیلی بی تعارف، هم در بنده و هم در سرکار، همه مان! بله باید در راه باشیم ، باید تقلاً کنیم ، باید زحمت بکشیم ، باید مجاهده کنیم ، رو در بایستی ندارد دیگر، خودمانی و رفیقانه حرف می زنیم دیگر، اینجا دیگر بنا نیست که ما مطلبی را بپوشانیم و مخفی کنیم و خیال می کنم که رفقا هم به این مسئله رضایت بدهند. این مسئله ، مسئله نفس است .

۳. مطالعه احوال بزرگان

مطالعه احوال بزرگان را کردن ، مطالعه احوال بزرگان ، اشعار بزرگان و اولیاء را گاهی زمزمه کردن

و توجه کردن به آن معانی . هر روز انسان مثلاً چند خط شعر فرض بکنید که از شعر خواجه شیراز، مطالعه کند و مفاد او را در حدود وسع خودش و در حدود ظرفیت خودش مطالعه کند. یا اشعار مولانا رحمة الله علیهما، یا اشعار اولیاء دیگر، بزرگان دیگر . خواندن این اشعار انسان را از این عالم تکثرات خارج می کند و انسان این مطلب را خودش می فهمد، یعنی خودش متوجه می شود که چطور با وارد شدن در مطالعه احوال بزرگان و مطالعه این اشعار این حالت برای انسان پیدا می شود .

اعمال شب جمعه اوّل ماه رجب (لیلۃ الرغائب)

در روایت داریم که اگر که شخصی ماه رجب بر او داخل بشود و پنجشنبه اوّل آن ماه را روزه بگیرد؛ پنجشنبه‌ای که شب جمعه آن، اوّلین شب جمعه ماه رجب است و در شب جمعه، بین نماز مغرب و عشاء، دوازده رکعت نماز دارد؛ شش تا دو رکعت، مثل نماز صبح در هر رکعتی بعد از سوره حمد، سه مرتبه سوره انا أنزلناه و دوازده مرتبه سوره (قُلْ هُوَ

اللَّهُ أَحَدٌ) و بعد از تمام شدن این دوازده رکعت
 (تفصیلش را در همین مفاتیح نوشته، رفقا می توانند
 نگاه کنند) هفتاد مرتبه: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
 الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ**، بعد سر به سجده می گذارند، هفتاد
 مرتبه: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ**، دوباره
 سر بر می دارد، هفتاد مرتبه: **رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ
 عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ**، دوباره سر به سجده
 می گذارد و هفتاد مرتبه: **سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ
 وَالرُّوحِ** و داریم که خداوند تمام گناهان او را
 می آمرزد و هر حاجتی را که بخواهد، خداوند به او
 عطا می کند.

اولین شب جمعه ماه رجب را لیلۃ الرغائب
 می گویند. رغائب جمع رغیبه به معنای آن پادشاهای
 بسیار ارجمند و ثمین و گرانسنگ است. شبی است
 که بسیار مهم است و همه اساتید تأکید داشتند بر این
 که شاگردانشان اعمال شب لیلۃ الرغائب را بجا
 بیاورند.

زمان انجام این اعمال بین نماز مغرب و عشاء
 است (در مفاتیح هم هست) مرحوم علامه طهرانی

در آن وقتی هم که در تهران بودند رفقای ما به خاطر دارند که بین نماز مغرب و عشاء آن اعمال «لیلة الرِّغَائِب» را ایشان انجام می‌دادند و حتماً توصیه می‌کردند که رفقایشان این را انجام بدهند و بسیار این اعمال، اعمال مهمی است البتّه یک اختلافی هست در این که چون پیغمبر اکرم فرمودند که: کسی که ماه رجب بر او وارد بشود در حالی که او پنج شنبه را روزه گرفته باشد و این اعمال را در شب جمعه بخواند کذا و کذا مسائلی که هست. سابق، من این طوری که به ذهنم می‌آید یک وقتی نظر مرحوم آقا (خیلی وقت پیش البتّه در دوران طفولیت ما بود) این بود که اگر شب اوّل ماه رجب مصادف شد با شب جمعه می‌بایست شب جمعه دوّم را شب لیلة الرِّغَائِب انسان قرار بدهد به جهت این که از روایات این طور برمی‌آید که پنج شنبه خود همان ماه را روزه بگیرد. پس بنابراین پنج شنبه همانطوری که امسال ظاهراً اگر ماه دیده بشود پنج شنبه آخر جمادی قرار می‌گیرد و باید پنج شنبه دوّم باشد و خودشان یک وقتی، خیلی وقت پیش البتّه این قضایا مال سی سال پیش

است که یا حدود بیست و پنج، شش سال پیش یادم است که همان شب جمعه دوّم را ایشان شب لیلة الرّغائب قرار می دادند ولی بعدها من دیدم ایشان تغییر نظر دادند و همان شب اوّل را در صورت مصادف با شب اوّل رجب اوّلین جمعه را لیلة الرّغائب می فرمودند و آنچه را که خود من هم استنباط می کنم از خصوصیات روایات این است که روایت در مقام اُغلبیت و غلبه اکثریت آمده یعنی وقتی که می فرماید که کسی که ماه رجب بر او داخل بشود و پنجشنبه اول را روزه بگیرد، این در مقام اکثریت است، چون اکثر سنوات اوّل ماه رجب، شب جمعه نیست، حالا بر حسب اتّفاق در بین این همه احتمالات امسال شب اوّل جمعه درآمده اما فرض کنید که ممکن است بیست سال اول ماه شب یکشنبه و دوشنبه بشود چون بالآخره شش شب از هفته هم وجود دارد، خیلی به حسب نُدرت اتّفاق می افتد. لهذا پیغمبر از این نقطه نظر غلبه اکثریت را داده اند و فرمودند که پنجشنبه را روزه بگیرید و الا روزه گرفتن خود پنج شنبه در ماه جمادی همان اثر را دارد!

علی ایّ حال توصیه من به دوستان و به رفقا این است که اگر ممکن است هر دو شب جمعه این عمل انجام بشود یعنی هم شب جمعه‌ای که شب اوّل ماه رجب هست این عمل انجام بشود، چطور که بعضی از بزرگان هم بر این مسأله تأکید دارند و می‌فرمایند که: انسان این اعمال را در هر دو شب انجام بدهد، کلّ عملش هم نیم ساعت بیشتر طول نمی‌کشد. انشاءالله رفقا و دوستان فراموش نمی‌کنند که حتماً این اعمال را انجام بدهند.

تأکید بزرگان بر روزه ماه رجب

روزه در ماه رجب به اندازه‌ای تأکید شده که شاید مضمون بعضی از روایات به نظر انسان اغراق آمیز بیاید، در روزه ماه رجب؛ خیلی عجیب، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید- روایتش در همین مفاتیح هم هست- به سالم می‌فرماید که: از ماه رجب را چقدر روزه گرفتی؟- او آخر ماه رجب بود- گفت: هنوز روزه نگرفتم. حضرت فرمودند: آن قدر ثواب از تو فوت شده است که غیر از خدا کسی نمی‌داند. یعنی چه؟ ثواب چه چیز؟ ثواب یعنی در

ارتباط تو با پروردگار آن قدر مواهب الهی از تو فوت شده و برکات از تو فوت شده که ثوابش را کسی غیر از او نمی‌داند روزه در ماه رجب بسیار مستحب است مرحوم علامه طهرانی رضوان الله تعالی علیه می‌فرمودند: برای ورود در ماه رجب خوب است که انسان به هر مقداری که می‌تواند روزه بگیرد، البته این قضیه مربوط به ماه شعبان هم هست، منتهی در ماه رجب اهمیت بیشتری دارد، برای افرادی که می‌توانند هر روز را روزه بگیرند، خوب هر روز را بگیرند، اگر مزاجشان، استعدادشان، قوایشان آمادگی این را دارد خوب چه بهتر! ولی نه آن مقداری که ضعف بر آنها غلبه کند. مثلاً اگر در ایام تابستان است، اگر می‌بیند هفته‌ای دو روز، روزه بگیرد کافیست، اگر بخواهد ضعف بواسطه طولانی بودن روز و عطش غلبه بکند که او را بیاندازد، نه این صحیح نیست! یک روز در میان، دو روز در میان و اگر نه هفته‌ای یک مرتبه یا مانند ماه‌های قبل سه روز در ماه روزه بگیرد. علی‌کل‌حال هر شخص به مقدار سعه و به مقدار توانش میتواند روزه بگیرد. در

روایت داریم بزرگان و اولیاء الهی، ائمه علیهم السلام، رسول خدا بخصوص اصلاً این سه ماه را پشت سر هم به هم وصل می‌کردند از ماه رجب تا ماه رمضان را از نظر روزه وصل می‌کردند و اگر کسی نمی‌تواند روزه بگیرد مستحب است که به جای آن صد مرتبه در هر روز این ذکر «سُبْحَانَ الْإِلَهِ الْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ» را بگوید و حتماً تأکید داشتند که رفقا و دوستانشان در ماه رجب، چنانچه موفق به گرفتن روزه به هر اندازه شدند فَبِهَا و أَلَّا حتماً مداومت بر این ذکر داشته باشند. این ذکر را که بگویند ثواب همان روزه را به او می‌دهند.

تأکید بزرگان بر زیارت مشاهد مقدسه در ماه

رجب

یکی از دستوراتی که مرحوم قاضی - رضوان الله علیه - و به تبع آنها بزرگان دیگر، خیلی دستور می‌دادند به دوستانشان و به شاگردانشان و به رفقایشان زیارت مشاهد مشرفه است، مثلاً افرادی که

در طهران هستند، حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه، این بسیار مغتنم است و خیلی مهم است. در روایت از امام علی النقی علیه السّلام، امام هادی داریم که فرمودند: **مَنْ زَارَ عَبْدِ الْعَظِيمِ بِرِي كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بِكِرْبَلَاءَ** «کسی که حضرت عبدالعظیم را در ری زیارت کند، مثل اینکه سیدالشهداء را زیارت کرده.» یا اینکه اگر در هر شهری امامزاده‌ای هست، امامزاده صحیح السّند و معتمد و موثّق، انسان می‌تواند که آنجا برود و از فیوضات آنجا بهره‌مند بشود.

روایت دیگری از پیغمبر اکرم در اینجا نقل می‌فرمایند که: تمام ملائکه تمام ملائکه آسمان و زمین، در شب اوّل رجب همه در خانه کعبه جمع می‌شوند و در آنجا مشغول طواف می‌شوند. لذا مکه و عمره رجبیه ثواب حج را دارد و بسیار مؤکد است همانطوری که مرحوم آقا در روح مجردشان فرمودند زیارت علی بن موسی الرضا علیهما السّلام ثواب حج را دارد در ماه رجب و حتی طبق آن روایاتی که نسبت به زیارت امام رضا علیه السّلام آمده خیلی روایات عجیب است. ما حتی راجع به سیدالشهداء

هم عجیب است که یک همچنین روایاتی نداریم
یعنی با این خصوصیتی که مثلاً سیدالشهداء دارد
روایات اکیده‌ای که همه ائمه هم توصیه داشتند بر
زیارت امام حسین علیه‌السلام ولی عجیب این است
که روایت زیارت علی بن موسی الرضا یک چیز
دیگر است، بخصوص در ماه رجب و توفیق الهی
نصیب هر کسی شده است که بتواند امام رضا
علیه‌السلام را در این ماه زیارت کند و از آن حضرت
خلاصه بخواهد، ول نکند، بیاید یک زیارتی بکند و
بگوید: خداحافظ شما و ... نه، برود بچسبد و
بگوید باید بدهی و تا ندهی ما نمی‌رویم از اینجا،
امام رضا هم به خاطر این که خودش را راحت کند
می‌گوید: خیلی خوب می‌دهیم، راحت می‌اندازیم.

فلهذا خودشان گفته‌اند که ما می‌دهیم حالا که
گفتند باید پایش هم بایستند، ما هم می‌رویم و
خلاصه به امام رضا علیه‌السلام عرض می‌کنیم که
شما به آن استکبار و آنانیت ما نگاه نکن، شما به آن
بزرگواری و کرامت و عنایت بیکران و لطف بیکران
و رحمت بیکرانی که خداوند برای شما قرار داده

شما با او با ما برخوردار کن. امیرالمؤمنین علیه السلام
می فرماید: **اللَّهُمَّ وَ آخِذْنَا بِعَفْوِكَ وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِعَدْلِكَ.**
«خدا یا با عفو تو با ما برخوردار کن و با عدالت برخوردار
نکن.»

این ملائکه می آیند در کعبه و به دور کعبه طواف
می کنند و خداوند به اینها خطاب می کند که: ای
ملائکه من! از من بخواهید که هر چه می خواهید به
شما عطا می کنم. ملائکه، اینها آدم های با مروّتی
هستند. می گویند: سالک باید رفیق باشد، با معرفت
باشد، تنها تنها نخورد، خلاصه به یاد رفقای هم
باشد. این ملائکه همه از سُلّاک حسابی هستند، برای
خودشان دعا نمی کنند می گویند: خدایا! خواست ما
از تو این است که به افرادی که در این ماه روزه
می گیرند و عبادت تو را می کنند حاجات آنها را
بدهی. این خواست ملائکه است در شب اوّل ماه
رجب. خداوند می فرماید که: من حاجت شما را
بر آورده کردم. البتّه ملائکه هم بی حساب نمی گویند
چون می دانند که به حساب خودشان هم نوشته
می شود.

دنیا آقا، دنیای معامله است، دنیای معاملات است، آنها به خدا می‌گویند: خدایا! آنها را درست کن، آنها درست کنند ما را درست می‌کنند. فلهدا مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی **أَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ** در این کتاب شریف المراقبات ایشان می‌فرمایند که: رعایت ادب و شکر نسبت به ملائکه این است که انسان در ماههای رجب بر ملائکه درود بفرستد حالا که آنها دارند برای ما خلاصه پیش سلطان استدعاء می‌کنند و حاجات را پیش سلطان می‌برند انسان هم یک تشکری از آنها باید داشته باشد.

قرائت قرآن در ماه رجب

راجع به قرآن نظر مرحوم آقا این بود که حداقل یک بار اگر انسان بتواند قرآن را در این ماه دوره کند بسیار فضیلت دارد.

کیفیت ادعیه، تهجد و تفکر در ماه رجب

مرحوم علامه طهرانی بسیار تأکید بر قرائت ادعیه ماه رجب داشتند، دعاها در این ماه بسیار عجیب است و بهتر است که انسان این دعاها را بخواند. البته نه

اینکه همه را یک مرتبه بخواند، مثلاً بعد از نماز صبح یک دعا را بخواند، بعد از نماز ظهر یکی، بعد از نماز مغرب یکی. چند دعا دارد که این دعاها را متناوباً انسان بخواند. ایشان ادعیه ماه رجب را ضبط شده داشتند و در شبهای ماه رجب آنها را گوش می دادند، شبها که از مسجد برمی گشتند هر شب ماه رجب یک چند تا دعا بود یا مناجات شعبانیه را در ماه شعبان ایشان گوش می دادند و همینطور یکی دو ساعت، همینطور به تفکر و به تأمل، می گذرانند. بعد می آمدند برای استراحت! در همان شبهای اول تابستان بود. و تهجد و بیداری را هر چه بگوئیم، کم گفته ایم در ماه رجب، که خصوصیات که در این شبها هست این خصوصیات در شبهای دیگر نیست. و بهتر است که انسان قدری از شب را به نماز و قدری را به تأمل و تفکر، فکر کردن در وضعیت خود، مال خود، موقعیت خود، رسیدن به حساب و کتابهای خود و اینها پردازد.

اذکار ماه رجب بسیار اذکار، اذکار مهمی است و به دوستانشان تذکر می دادند که از دعاهایی که در ماه

رجب است بخصوص دعای شریفی است که به واسطهٔ محمد بن عثمان که فرزند عثمان بن سعید بود، از طرف حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به دست او رسید که شیعیان این دعا را در ماه رجب بخوانند:

«اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِمَعَانِیْ جَمِیْعٍ مَا یَدْعُوکَ بِهٖ وُلاَةُ اَمْرِهٖ»

این دعا در هر روز در ماه رجب خوانده بشود و بهترین وقتش هم بین نماز ظهر و عصر است یا بین الطلوعین هم خوب است و بسیار دعای عجیبی است و یک شب مرحوم آقا- من یادم است، در مسجد قائم، شب سه شنبه- این فقره اوّل این دعا را معنا می کردند، فقره اوّلش را و خیلی مسائل عجیبی می فرمودند. همان قضیه رسید به لی مع الله حالة لا

یسعها ملك مقرب و لا نبی مرسل، این دعا اشاره به این است و عجیب اینجاست که ادعیه ماه رجب، همه ادعیه توحیدی هست و جنبه توحیدی در این ادعیه لحاظ شده است و ایشان، بعضی از لیالی رجب، در بعضی از سالها این دعا را شرح می کردند. متأسفانه یکی از مطالب مُأسفهای که برای ما بود، این است که شرح این دعا از مرحوم آقا، در دست نیست

و بسیار مضامین عجیبی دارد و اگر خداوند توفیق عنایت کند به فردی و انکشاف حقائق توحیدی و معانی این دعا برای او بشود، خواهد فهمید که چه اسراری را حضرت بقیة الله ارواحنا فداء، ایشان در این دعا بیان کردند و خواندن این دعا در هر روز ماه رجب بسیار مؤکد است. این یکی از آن ادعیه‌ای است که حتماً باید در ماه رجب هر روز خوانده بشود. یکی از آن ادعیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَاءِهِ» هست که داریم در هر جایی که هستیم و مکان متبرکی هست، فرض کنید که کسی در مشهد است، خب آنجا در خدمت حضرت علی بن موسی الرضا، اینجا در قم است، خدمت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها، یا اینکه در حضرت عبدالعظیم است؛ در هر صورت اگر هم نبود، این منافاتی ندارد به اینکه انسان، این دعا را بخواند این هم بسیار دعای مؤکدی است که در مفاتیح این دعا ذکر شده است. دعا‌های دیگری که در مفاتیح هست اینها هم که در خصوص ماه رجب هست، تمام آنها صحیح است و صحیح السند است و مثل این فرض

کنید یا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ

که بعد از نماز مستحب است، یا مانند دعاهای دیگر که دعای حضرت سجّاد در آنجا است «یا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ» که این هم بسیار دعای عالیة المضامینی است. اینها هم چنانچه انسان در اوقات مختلف بخواند خوب است،

توجه کنید خوب نیست انسان چند تا دعا را با هم در یک زمان بخواند، بهتر این است که فرض کنید که انسان در موقع صبح یک دعا بخواند، بین نماز ظهر و عصر یک دعا بخواند، موقع نماز مغرب و عشاء یک دعا بخواند، قبل از غروب یکی بخواند. آدم پنج خط بخواند با تدبّر بخواند، بخوانید و با تأمل بخوانید و روی مضامینش فکر کنید اینها اسماء و صفات جمالیة و جلالیة پروردگار است که از آن عالم، پایین آمده و از نفس معصوم بیرون آمده است برای تأثیر گذاریش بر نفس ما است و با هم خواندن اینها، مرجوح است، بلکه جدا، جدا، انسان بخواند. این تأثیرات عجیبی برای انسان دارد.

شرحی مختصر بر دعای شریف خاب الوافدون

علی غیرک

«خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا
لَكَ وَ ضَاعَ الْمُلْمُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجْدَبَ الْمُتَجِعُونَ إِلَّا
مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بِأَبْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِيْنَ وَ خَيْرُكَ مَبْدُولٌ
لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ نَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْآمِلِينَ
وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَ حِلْمُكَ مُعَرِّضٌ لِمَنْ
نَاوَاكَ عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ
عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارْزُقْنِي
اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَ
اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ»

یکی از دعاهایی که در ماه رجب خواندندش در
هر روز وارد است، این دعای امام صادق علیه السلام
است که در مفاتیح هم آمده است که حضرت این
دعا را در هر روز می خواندند: خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ
غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ. «خاب» یعنی
خائب شد. خائب یعنی کسی که دیگر امیدی به
رسیدن به مطلوب ندارد، کسی که از کاروان عقب

بماند، می‌گویند خائب است. خائب و خاسر، دو عبارتی است مضمونش نزدیک به هم است. خائب به کسی می‌گویند که مطلبی را از دست می‌دهد. خاسر به کسی می‌گویند که خسران زده است، یعنی نه تنها مطلب را از دست می‌دهد، دیگر هم به دست نمی‌آورد و نمی‌تواند به او برسد. خاب الوافدون علی غیرک «تمام آن کسانی که وفود کردند، وارد شدند بر غیر تو، اینها دستشان خالی است» اینها هیچ مایه پُرکننده ای ندارند. چون غیر از تو پوچ است، غیر از تو عدم است، غیر از تو حُباب است. افرادی که به دنبال غیر از تو رفتند و بار خودشان را در آستانی غیر از آستان تو فرود آورند، به دنبال مقام رفتند، به دنبال مال رفتند، به دنبال کسب شهرت رفتند، به دنبال استفاده رفتند - استفاده دنیوی - تمام این افراد، اینها خائب اند. افرادی که به دنبال حتی غیر از جنبه مادی، حتی به دنبال بزرگی رفتند، حتی به دنبال امام رفتند، ولی این به دنبال امام رفتنشان، امام را در تعین و در حد دیدن و بدون توجه به توحید به او نگاه کردن، باز این خاب الوافدون است.

آن کسانی که ولایت را جدای از توحید می‌دانند و ولایت را یک مرتبه‌ای مادون توحید می‌دانند و به امام نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان موضوعیت نگاه می‌کنند، باز اینها حسابشان با آن کسانی که به خود ذات پروردگار توجّه دارند و امام را وسیله برای وصول به او می‌دانند، تفاوت می‌کنند.

و خسر المتعرضون الا لك «خسران زده‌اند،

خسران زده شده‌اند و خاسر اند آن کسانی که متعرض غیر تو شده‌اند.» غیر تو را به حساب آورده‌اند، افراد دیگر را به حساب آوردند، حسابهایی در ارتباطاتشان در نظر گرفتند، حساب و کتاب در ارتباطاتشان مدّ نظر قرار دادند. خدا شاهد است که یک خطور که از انسان سر بزند، یک خطور، یک خطور که این خطور، خطور غیر الهی باشد، خطور، خطور مادی باشد، خطور، خطور دنیوی باشد، به پای انسان می‌نویسند؛ یک خطور: با این رفیق بشویم، به دردمان می‌خورد. بد نیست حالا فرض بکنید که سلام، علیکی با این داشته باشیم. اینها همه‌اش چیست؟ اینها همه‌اش **خسر المتعرضون الا**

لك است. تمام کسانی که متعرض غیر تو شدند، اینها خسران پیدا می کنند. یک روزی همین می آید و پشت می کند. همین می آید و بی توجهی می کند، آن وقت انسان خسران زده یعنی چه؟ یعنی اینکه: عجب! من که دو سال با این بودم، این همینطور سر یک مطلب واهی گذاشت رفت؟ این ناراحتی که برای انسان پیدا می شود، این ناراحتی برای چیست؟ به این خاطر نیست که او گذاشته و رفته، بلکه به این علت است که دو سال سرگردان او بوده، دو سال بیکار او بوده و دو سال علف او بوده و ذهن خودش چیزهای دیگری را ترسیم می کرده، برای این است که اینقدر ناراحت می شود. یعنی چه؟ یعنی «خاسر».

حالا اگر دو سال انسان باشد ولی تعلق نداشته باشد، حالا وقتی که برود، ناراحت می شود؟ نه، می رود که می رود، برود، می رود که برود. ناراحتی دارد؟ دوباره بر گردد، می خواهد برگردد، می خواهد برنگردد. چرا ناراحتی ندارد؟ به خاطر اینکه دل در اینجا گرو نگذاشته، متعرض او نشده، ارتباط داشته، ولی متعرض دیگری بوده، دل در گرو دیگری گذاشته و

او هم که هیچ وقت از بین نمی‌رود. حالا اگر او از بین رفت خب انسان دیگر باید خلاصه، ندای وا مصیبتایش برود بالا. ولی نه، او از بین نمی‌رود. ولی غیر از او همه می‌روند. ما به چه کسانی دل بسته بودیم! در زمان مرحوم آقا ما به چه کسانی تعلق داشتیم! به چه افرادی دل بسته بودیم! به چه افرادی تعلق داشتیم! به چه افرادی پشت گرم بودیم! به چه افرادی توجه داشتیم! کجایند؟ کجایند؟ رفتند همه. اینهم نتیجه و خسرو المتعرضون الا لك. پدر به ما گفت: متعرض نباش! حرفش را گوش ندادیم. او گفت و ما گوش ندادیم. البته خیال می‌کردیم مطلب جور دیگر است و حالا ایشان مثلاً نظر جدی ندارد. حالا می‌فهمیم: نه بابا! جدی می‌گفت، داشت جدی می‌گفت و اینها همه برای انسان عبرت است.

این را می‌خواهم خدمتتان بگویم - بالاترین مرتبه‌ای که تمام این مطالبی را که ما خدمتتان عرض کردیم، اینها را شما در جریانات مادی طبعاً جستجو می‌کنید دیگر، افراد عادی، همسایه، رفیق، شریک، این جهات عادی - من می‌خواهم عرض کنم مسأله

بالا تر است؛ حتی افرادی را که آنها را در سلوک و در راه و در مسیر، شریک و رفیق و مؤانس و مصاحب با خودتان می‌دانید هم از این قاعده مستثنا نیستند. مگر افرادی که در زمان مرحوم آقا بودند، مگر ما آنها را سالک نمی‌دانستیم؟ آن که دیگر مسأله، مسأله همسایه نبود، مسأله شریک و اینها نبود، مسأله مادی که نبود حداقل، به خاطر منفعت مادی که من با آنها در ارتباط نبودم و ما با آنها ارتباط نداشتیم، این که دیگر مشخص است. ولی چه بود؟ همینی که ما بدون توجه به او با یک نفر و لو در طریق، احساس پشت گرمی کنیم، باز این چیست؟ غلط است. باید انسان دنبال رفیق بگردد. حضرت حافظ می‌فرماید:

دریغ و درد که تا این زمان ندانستم *** که

کیمیای سعادت رفیق بود رفیق

این هست. این همه تأکید شده نسبت به این که انسان نیاز به رفیق دارد، نیاز به راه دارد، ممد است، اینها همه دُرست، ولی صحبت در این است که اینقدر مطلب حسّاس و دقیق است که حتی رفیق راه را که انسان برمی‌گزیند، اگر بخواهد نظر استقلالی

رویش بکند، به این عنوان: «من دیگر این را پیدا کردم، دیگر کارم تمام است» نه، فردا یکدفعه می‌بینی گذاشت، رفت؛ همین شخص! «من دیگر الآن به این رسیدم دیگر پشتم گرم است، این دیگر با بقیه فرق می‌کند، این دیگر حسابش با بقیه جداست» نه، اینکه من دارم خدمتتان می‌گویم ما همه اینها را گذارنده‌ایم، ما تجربه کردیم، دارم تجربه ام را به شما می‌گویم. تمام این افکار، این اتکانات، تمام این تدلی‌ها، تمام اینها را ما انجام دادیم، گذشتیم، تمام اینها را طی کردیم. الآن دارم به شما می‌گویم: آن که اگر برای من مانده باشد، فقط اوست، فقط او، همه اینها همه گذشته و مطلب وقتی برای من یک مرتبه صورت دیگری پیدا کرد که من در این یک سال آخر، یک شب در خدمت مرحوم آقا بودم راجع به ارتباط ایشان با آقای حدّاد که سؤال کردم- چون یک مسائلی برایم بود- یک مرتبه از ایشان شنیدم گفتند: آقا سید محسن! خیال نکن من به آقای حدّاد هم نظر استقلالی می‌کردم، نظر من به ایشان هم نظر، نظر آلی بود، نظر وساطت بود، نظر وسیله‌ای بود،، نظر (وَوَ)

اَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) بود ولی حواسم جای دیگر بود.

این آقای که این کتاب را نوشته راجع به استادش، این کتاب روح مجرد را نوشته، بالاترین حدّی که شما می‌توانید یک شخصی را وصف بکنید، شما در این کتاب پیدا می‌کنید. بالاترین مرتبه از توصیف و از حمد و ثنا را شما در این کتاب نسبت به آقای حداد و باید هم همینطور باشد. آقای حداد همه چیز آقا بود؛ سر تا پای وجود آقا، آقای حداد بود؛ می‌نشست از آقای حداد می‌گفت، بلند می‌شد از آقای حداد می‌گفت، می‌خواهید به یاد او می‌خواهید، اصلاً تمام وجود مرحوم پدر ما فانی در این بود. بارها می‌فرمود: من خودم را در قبال ایشان صفر می‌بینم و ایشان شوخی هم نمی‌کرد، واقعاً جدّی می‌گفت. با تمام این احوال، یک نکته خیلی، خیلی، باطنِ باطن، سرّ سرّی که دارم اینجا فاش می‌کنم. آن سرّی که به کسی نمی‌گفت، آن شب به ما می‌گفت ایشان این بود که: این اوضاعی را که تو می‌بینی در ارتباط با آقای حداد، این باز ته قضیه‌اش این بود که به جای دیگر ما توجّه داشتیم. ایشان را وسیله می‌دیدیم و خود

ایشان این را از مرحوم آقا می‌خواست. او از شاگردش می‌خواست این‌جور باشد، اگر نمی‌خواست آن سرّ را به او نمی‌سپرد. چون دید این شاگرد، شاگردی است که قابلیت دارد این سرّ را حمل کند، آمد این را به عنوان شاگردی پذیرفت. نه این که آقای حدّاد بیاید بگوید: نه، شما باید من را قبول داشته باشید آقا! ما این همه برایت زحمت کشیدیم، این همه برایت چکار کردیم، چرا شما حواست جای دیگر است؟ این است دست درد نکند؟ این است فرض بکنید که یک عمر تربیت کردن؟ نه، او یک عمر آقای آقا سید محمّد حسین را، علّامه طهرانی را، یک عمر راه می‌برد تا تازه به اینجا برساند - آقا که از اوّل این‌طور نبود - یک عمر او را حرکت می‌دهد تا به این مطلب برساند که احساس کند از درون وجدانش که حدّاد هم یک وسیله است. اگر آقای حدّاد بخواهد آقا را به یک نکته‌ای برساند که احساس کند آقای حدّاد است در این میان، تازه اوّل شرک است، ولی حدّاد کسی نیست که شاگردش را به اینجا دعوت کند.

امام حسین و پیغمبر کسانی نیستند که بخواهند اصحابشان را به اینجا دعوت کند، در آیه قرآن ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ﴾ این همه آیاتی که شما در قرآن می بینید تمام این آیات دارد آن نوک قلّه را به شما نشان می دهد، آن رأس مخروط را دارد این آیات نشان می دهد. بابا! پیغمبر با این ید و بیضاء و این شق القمر و این، این ور و آن ور و تمام اینها باز ﴿إِلَّا رَسُولٌ﴾ «یک فرستاده‌ای است» منم این وسط، منم همه کاره این وسط، منم در اینجا که به پیغمبر، پیغمبری دادم، منم که او را عبد صالح خودم قرار دادم. این نکته را دارد از اوّل سوره حمد تا آخر **قُلْ هُوَ اللَّهُ** اش در قرآن این نکته را می خواهد بگوید. یعنی این شش هزار و ششصد و خورده‌ای آیه‌ای که در قرآن هست، از اوّل تا آخر معاد و مبدأ و اخلاق و دین و اجتماعیات و فقه و معاملات، تمام اینها آن نکته ظریف در قرآن، آن همین قضیه است که آنچه که حقیقت در عالم وجود دارد فقط ذات پروردگار است؛ غیر از ذات پروردگار همه اینها چه هستند؟ مخلوق اند؛ می خواهد پیغمبر باشد، می خواهد افراد

عادی، مثل ما باشد. او این نکته است. به این نکته اگر رسیدیم، به رمز قرآن رسیدیم، به رمز بعثت رسیدیم، به رمز خلافت رسیدیم. به این نکته، مرحوم آقا رسید. من از ایشان سؤال کردم که: آقا! در این روح مجرد شما مطالبی گفتید که حتی به ما هم تا به حال نگفتید. ایشان فرمودند: آقا! این مطالبی که می شود گفت، تازه من گفتم، چیزهایی است که من نمی توانم بگویم. مکتب حقّ این است. اگر یک وقتی دیدید به خود دعوت می کنند، بدانید آنجا با حق فاصله دارد.

يك روز أمير المؤمنين عليه السلام در خیابان بودند با اصحابشان، يك مرتبه يك شخصي بود- ظاهراً عبدی بود، از عبیدی- آمد رو کرد به أمير المؤمنين و گفتش که: یا علی! تو- البته حالا تعبیراتی که کرده، تعبیراتش حالا يك قدری حالا مؤدّبانه ترش را من بگویم، او خیلی رُك آمده بود گفته بود- یا علی! تو هم یکی از بقیه هستی و خلاصه يك وسیله ای هستی و با بقیه هم فرقی نمی کنی. أمير المؤمنين رو کردند و گفتند: مُوحِّدٌ وَاللَّهِ. «موحد است، راست می گوید،

موحد است.» مَوْحِدٌ وَاللَّهِ. أميرالمؤمنین نیامده حالا
 بگوید: بنده خلیفه رسول الله هستم، تو آمدی می گویی
 تو کسی نیستی! به من داری می گویی؟ به من داری
 می گویی کسی نیستی؟ اصلاً تمام ضربت خوردنش،
 تمام جنگهایش بخاطر این بود که این را توی کله ما
 کند که فقط حقیقت اوست، من علی با فرزندانم که گل
 سر سبد عالم هستیم، در قبال او هیچیم، در قبال او
 صفریم، در قبال او به حساب نمی آئیم. با او باشیم گل
 سر سبد عالمیم، بدون او باشیم با بقیه فرقی نمی کنیم.
 الهی! چون در تو می نگریم از جمله تاجدارانم و تاج بر
 سر و چون بر خود می نگریم از جمله خاک سارانم و خاک
 بر سر.

و ضَاعَ الْمَلِئُونَ إِلَّا بِكَ «ضایع شدند، از بین

رفتند آن کسانی که امام کردند، فرو افتادند، خود را

انداختند مگر به تو» وَ أَجْدَبَ الْمُتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ

انْتَجَعَ فَضْلَكَ «به تنگدستی و فقر رسیدند آن کسانی

که طلب کردند غیر از تو را.» بِأَبِكَ مَفْتُوحٌ

لِلرَّاعِبِينَ «باب تو و در رحمت تو همیشه برای

کسانی که رغبت دارند به آن مسائل و به آن تجلیات،
 همیشه باز است. « **وَ خَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ** » و خیر تو
 همیشه برای طالبین مبدول است. « **وَ فَضْلُكَ مُبَاحٌ**
لِلسَّائِلِينَ » برای سائلین، فضل و احسانت مباح
 است. « **وَ نَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ** » نیل و فیض رحمت تو
 و عطا و بخشش تو، متاح است، در دسترس است،
 برای کسانی که آرزومندند، در دسترس است. « **وَ**
رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ » رزق تو پخش است برای
 کسی که تو را حتی عصیان کند. « **وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ**
لِمَنْ نَاوَاكَ » به کسی که قصد دشمنی با تو را دارد،
 حلم تو، معترض است و شامل حال او هم خواهد
 شد. « **عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ** » عادت تو و
 روش تو، احسان به گناهکاران است. « **وَ سَبِيلُكَ**
الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ » راه تو، ابقاء و حفظ است بر
 کسانی که تعدی می کنند. « **اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى**
الْمُهْتَدِينَ ، اینجا دیگر مطلب یک قدری بالا می رود
 و سطح دعای حضرت اوج می گیرد. خدایا! حالا که
 این طوره، حالا که تو دارای این خصوصیات هستی

و حالا که تو یک همچین اوصافی داری، پس تو مرا به هدایت مهتدین راهنمایی کن، از تو چیزی کم نمی‌شود. تو که عطای تو شامل همه است، تو که راه تو برای همیشه باز است، تو که حلم تو معترض است برای کسی که دشمنی می‌کند، پس حالا بیا دست مرا بگیر! **وَ اَرْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ** «اجتهاد و جهدِ آن افرادی که واقعاً جهد می‌کنند، آنها را نصیب من بگردان.» **وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ** «و مرا از غافلینِ مبعدینِ از رحمت خودت قرار نده.» **وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ** «و مرا برای روز جزا مورد آمرزش قرار بده.»

تأکید بزرگان بر ذکر مدام در ماه رجب

یکی از مسائلی که خیلی مؤکد است در این ماه، و همینطور در ماه شعبان و ماه رمضان، این ذکر مدامی است که انسان آن ذکر مدام را دارد. ذکر مدام آن ذکری است که عدد ندارد و انسان بدون عدد می‌تواند آن ذکر را بگوید. این را ذکر مدام می‌گویند؛ جزء اذکار عددیه نیست و اشکالی هم ندارد برای شخصی که بگوید. مثل ذکر **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**. همینطور

به نحو مدام انسان آن ذکر را بگوید. دارد راه می رود
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید. نشسته است، آرام بدون اینکه
حتی کسی هم بفهمد یا مثلاً دهان او حرکتی داشته
باشد، ذکر **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگوید. این خیلی مناسب
است. یکی از آن اذکار، ذکر یونسیه است که **(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)** است که
توصیه شده که بدون عدد. اگر کسی می تواند صد
مرتبۀه مثلاً بگوید بین الطلوعین. اگر یکی می تواند،
دویست مرتبۀه بگوید. این ذکر یونسیه بسیار مهم
است منتهی بدون عدد؛ پنجاه مرتبۀه، هفتاد مرتبۀه،
صد مرتبۀه، صد و پنجاه مرتبۀه، هر کسی به آن مقداری
که خسته نشود و خیلی از بزرگان تأکید کردند و
خود حقیر از مرحوم آقای حدّاد- رضوان الله علیه-
شنیدم که ایشان می فرمودند که: گنجهایی در این
ذکر یونسیه نهفته است و اگر شخصی مداومت داشته
باشد، خداوند او را به یک نعمات خیلی بزرگی
می رساند.

^۱ سوره الأنبياء (۲۱) ذیل آیه ۸۷

ما محتاجیم هر چند که حضرت حق مشتاق

است

حالا من از رفقا و دوستان و از خودم این سؤال را می‌کنم: ممکن است یک شخصی بگوید که: آقا! این اعمالی را که ائمه گفته‌اند، حالا ما روزه بگیرم، دعا بخوانیم، این کارها را بکنیم، چه فایده‌ای خواهد داشت؟ اوّلًا: خیلی عادی و خیلی بسیطش را خدمتتان عرض کنم: اگر ما این دعاها را نخوانیم، چه کار می‌کنیم؟ به در و دیوار نگاه می‌کنیم. حالا پس خیلی کار شاقّی انجام ندادیم که حالا بخوایم یک مٔتی بر سر امام بگذاریم و بر سر بزرگان که آقا ما آمدیم، نه! به جای اینکه آقا! با رفیقان حرفهای چرت و پرت بزنی و بنزین گران شده و نفت ارزان شده بگوئید به جای این، دعای امام صادق را خواندن، به کجای دنیا بر می‌خورد؟ ثانیاً: سؤال من این است اگر با توجّه به اینکه یک همچنین مطالبی را ما بدانیم و بدانیم که این مقاماتی هست و این معارفی هست و مقام کمالی را، مقام معرفتی را که پیغمبر وعده داده، امیرالمؤمنین وعده داده، لولا

الأجل الذي كتب الله عليهم لم يستقرّ أرواحهم في
 أجسادهم طرفة عين شوقاً إلى الثواب و خوفاً من
 العقاب^۱ حالاتی که برای بزرگان هست، حالاتی
 هست که اگر مدت مرگ آنها معین و محدود نبود،
 یک آن، اینها در این دنیا نمی ماندند؛ یک آن، واقعاً
 نمی ماندند در این دنیا. و باشروا روح اليقين و
 استلأنوا ما استعورهُ المترفون^۲ اینها به روح یقین
 رسیده اند، چه و چه و ...، مطالبی که از ائمه داریم و
 از بزرگان داریم راجع به رسیدن مراتب کمال و امثال
 ذلك، با توجه به اینکه اینها هست و یقینی است و در
 این شکی نیست، اگر ما این دعاها را نداشتیم و این
 روزه ها را نداشتیم، چه خاکی بر سرمان می ریختیم؟
 یعنی فرض کنید از یک طرف، یک همچنین مقاماتی
 را ما تصور می کردیم، از این طرف راه رسیدن به این
 مقامات را نداشتیم، چه کار می کردیم؟ نمی گفتیم به
 خدا: خدایا! تو ظالمی؟ نمی گفتیم: خدایا این

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۹

^۲ همان مصدر، حکمت ۱۴۷

رسمش شد؟ نمی‌گفتیم: خدایا! این مسائل وجود دارد ولی راه را به ما نشان ندادی؟ نمی‌گفتیم: خدایا! درد را به ما می‌دهی ولی دوایش را به ما نمی‌دهی؟ نمی‌گفتیم؟ می‌گفتیم دیگر. خدا گفته: بسم الله! حالا به شما دادم، این دعا، این روزه، این مراقبه. اگر واقعاً نبود یعنی اگر امام صادق نمی‌فرمود یک همچنین دعائی را بخوانید، پیغمبر یک همچنین راهی را نشان نداده بودند، یک همچنین قضیه‌ای باز نمی‌شد و ما می‌رفتیم روز قیامت و می‌دیدیم: یک مراتبی خدا در روز قیامت برای بعضی از بندگان قرار داده که غیر از حسرت هیچ چیز بر دل ما نمی‌ماند در روز قیامت، اگر این طور بود، ما به خدا چه می‌گفتیم؟ نمی‌گفتیم: خدایا! تو ظالمی! چطور شد این را به بعضی‌ها بدهی و به ما ندهی؟ چطور شد یک همچنین مقامی را به بعضی‌ها نشان دادی؟ می‌گفتیم دیگر! الآن خدا گفته: بسیار خوب، من به شما دادم. حالا این منت دارد؟ دکتر هم مرض را تشخیص بدهد، هم دوا را بیاید در خانه به مریض بدهد، حالا مریض باید منت بگذارد سر دکتر که من

بخاطر شما است که دارو را می خورم.

حالا خدا می گوید که: آقا! برای اینکه من به تو ثابت کنم ظالم نیستم، عادلَم، نسبت به بندگانم قوم و خویشی و رحمت و اینها ندارم، برای من پیغمبر و غیر پیغمبر فرقی نمی کند، بفرمائید: این دوا را آمدم برایت گذاشتم. دوا چیست؟ همین مراقبه است و همین روزه است و همین بیداری شب است و همین دعاهاست، این دوا همین است دیگر، چیز دیگری نیست. پس این گوی و این میدان! انشاءالله رفقا همّتی کنند و به قول مرحوم آقا، دود و دمِ درویشی، از آن نفسهای درویشی به حال بدبختان و بیچارگان هم یک فکری بکنند. انشاءالله در این ماه رجب امیدواریم خداوند ما را مشمول عنایات خودش بکند و از آن مواهبی که برای این ماه، نسبت به بندگان خاصّش در نظر گرفته، ما را بی نصیب نگرداند و به حرمت و ارزشی که بزرگان درگاهش، اولیاء مقربین، در بارگاه ربوبی دارند، ما او را قسم می دهیم بر اینکه ما را هم از رشحات فیضی که بر مخلصین خودش در این ماههای مبارک ارزانی می دارد، ما را هم

محروم نگرداند.